

ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن در ارتقاء امنیت ملی

حسین عصاریان نژاد^۱

احمدعلی شریفی زارچی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۹/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۱/۲۵

چکیده:

از دغدغه‌های اصلی کشورهای در حال توسعه قرار گرفتن در مسیر توسعه و توسعه‌یافتگی است. مطالعات توسعه و آمارهای سازمان‌های جهانی بیانگر آن است که از مهم‌ترین عوامل رشد و توسعه کشورها، حکمرانی خوب است که شاخص مهم آن شفافیت، پاسخگویی و مشارکت مردمی است. امری که مدیریت اطلاعات عمومی و دسترسی عادلانه شهروندان به اطلاعات را می‌طلبد. این مقاله باهدف کشف ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی در پی پاسخ به این سؤال اساسی است که ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی از منظر نخبگان چگونه است و آیا اصولاً این مدیریت در جامعه و امنیت ملی تأثیری دارد؟ تحقیق از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی و تحلیلی و از منظر روش اجرا آمیخته می‌باشد. برای پاسخ به سؤال، داده‌های مرتبط از طریق فیش‌برداری و داده‌های کیفی و همچنین مصاحبه با نخبگان و تهیه پرسشنامه محقق ساخته داده‌های کمی نیز گردآوری و با استفاده از روش تأیید عاملی و رتبه‌بندی فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، مدیریت اطلاعات عمومی از نظر نخبگان به ترتیب اولویت برای شفافیت، دسترسی عادلانه به اطلاعات، مقابله با فساد، آزادسازی اطلاعات غیر محرمانه پنهانی، رشد و توسعه، افزایش مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی و اقتصادی لازم و ضروری است.

کلیدواژه‌ها: شفافیت، حکمرانی خوب، اطلاعات عمومی، مدیریت اطلاعات عمومی، مؤسسات عمومی، جمهوری اسلامی ایران

^۱ دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه عالی دفاع ملی

^۲ عضو هیئت علمی و دکترای رشته امنیت ملی از دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول

۱۳۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶

مقدمه: عصر کنونی عصر اطلاعات و ارتباطات است زیرا در آن دسترسی مردم به اطلاعات و به تبع آن آگاهی و بصیرت آن‌ها افزایش یافته است. از سوی دیگر انتظار آن‌ها از دولت نیز به‌طور قابل توجهی گسترش یافته و دولت‌ها به‌ویژه دولت‌های متمرکزگرا را با چالش مواجه ساخته است. همین امر باعث شده از قدرت و اختیارات دولت به نفع مردم کاسته شود و اصولاً حاکمیتی را خوب قلمداد کنند که به نقش مردم احترام بگذارد و به اصطلاح مردم‌سالار باشد (انصاری ۱۳۸۸: ۱۳۷).

امروز یکی از نشانه‌های دولت‌های مردم‌سالار نیز مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌ها و حاکمیت قانون تلقی می‌شود. بر این اساس یکی از مباحث مهم و مورد توجه حکومت‌های مردم‌سالار، دسترسی عادلانه و قانون‌مند به اطلاعات است که نیازمند نوعی مدیریت است. مدیریتی که دسترسی مردم به اطلاعات عمومی را فراهم و تسهیل نماید و در عین حال اسرار دولتی، حریم خصوصی و اطلاعات خاص را که لازمه حفظ امنیت و انتظام ملی است از دسترسی عموم مردم محافظت نماید. این امر نیازمند نوعی مدیریت است که قادر به تفکیک اطلاعات مزبور و نظارت بر حسن اجرای دسترسی بر اساس صلاحیت و نیاز باشد. از این‌رو مدیریت اطلاعات عمومی برای تدبیر دسترسی مردم به اطلاعاتی است که حق آن‌ها شناخته شده و موجب سالم‌سازی دولت و شفافیت عملکرد مأموران دولتی و در نتیجه تقویت امنیت ملی می‌گردد (انصاری، ۱۳۸۷: ۳۴).

با افزایش آگاهی مردم به حقوق شهروندی و مطالبه حقوق و آزادی‌های که نتیجه پیشرفت فناوری اطلاعات و ارتباطات است، موضوع آزادی اطلاعات و دسترسی به اسناد دولتی که در مؤسسه‌های عمومی و بعضاً خصوصی قرار دارد، نیز گسترش یافته و کشورهای زیادی در این زمینه گام برداشته و قوانینی نیز در این راستا تصویب و اجرایی نموده‌اند. کشورهایی نیز قانون تصویب کرده‌اند لیکن در اجرا با مشکلاتی برخورد کرده و در نتیجه تغییری در وضعیت دسترسی مردم به اطلاعات به وجود نیامده است. قوانین مصوب در کشورها برای دسترسی به اطلاعات عمومی، متفاوت و از

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج.ا.ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۳۵

عناوین متعددی برخوردار است. آزادی اطلاعات، دسترسی به اطلاعات، انتشار اطلاعات، انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و مدیریت اطلاعات و غیره برخی از عناوین قوانین مصوب در این راستا است. گرچه عناوین مختلف است، لیکن هدف اصلی همه تسهیل و نهادینه کردن دسترسی مردم به اطلاعات عمومی است (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

کشور ما ایران نیز در این زمینه گام‌هایی برداشته از جمله تصویب قانون مطبوعات و اخیراً قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات که فرایند طولانی از بررسی تا ابلاغ را پشت سر گذاشته ولی در مرحله اجرا متوقف و راکد شده است (طاهری و سادات، ۲۳۹: ۱۳۹۰).

گرچه از منظر مردم‌سالاری و رهیافت ایجابی امنیت، آزادی اطلاعات و تدبیر و تسهیل دسترسی مردم به اطلاعات از بدیهیات است اما از آنجاکه آزادی اطلاعات در نظام اسلامی با غیر آن تفاوت ماهوی دارد، لازم است موضوع ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی از منظر نخبگان جمهوری اسلامی مورد توجه و بررسی قرار گیرد، از این رو نویسندگان در این تحقیق تلاش کرده‌اند نظر نخبگان را در این خصوص اخذ و از طریق روش علمی، بررسی و تجزیه و تحلیل نمایند. این امر کمک می‌کند با اطمینان خاطر در راستای اجرایی نمودن قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و همچنین دیگر قوانین مربوطه گام برداشت و در مسیر مشارکت بیشتر مردم و همچنین پاسخگویی مسئولین و افزایش شفافیت مؤسسه‌های دولتی و در نهایت تقویت امنیت ملی خدمت کرد.

بر این اساس مسئله این است که عدم مدیریت اطلاعات عمومی، شفافیت و پاسخگویی مدیران و فرصتی که می‌تواند به ارتقاء امنیت ملی بینجامد را تحت الشعاع قرار داده است از این رو لازم است نظر نخبگان نسبت به دست آورد. در این راستا پژوهشگران تلاش می‌کنند به این سؤال اساسی پاسخ دهند که ضرورت و تاثیر مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی از نظر نخبگان چگونه است و چه تأثیری ب امنیت ملی دارد؟

فرضیه تحقیق: مدیریت اطلاعات عمومی از نظر نخبگان به ترتیب اولویت برای

۱۳۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*

۱- شفاف‌سازی عملکرد، ۲- ایجاد دسترسی عادلانه به اطلاعات موردنیاز، ۳- مقابله با فساد اداری، ۴- آزادسازی اطلاعات غیر محرمانه که در نهادهای دولتی به بهانه محرمانگی، پنهانی نگه‌داشته شده، ۵- بسترسازی برای رشد و توسعه، ۶- افزایش مشارکت سیاسی و توسعه سیاسی و اقتصادی لازم و ضروری است و با دسترسی عادلانه مردم به اطلاعات ضمن اینکه اعتماد مردم به دولت افزایش می‌یابد بستر گسترش مشارکت مردمی، توسعه علم، دانش، رفاه و امنیت نیز بهبود می‌یابد و در نهایت به ارتقاء امنیت ملی منتهی می‌شود.

روش‌شناسی: تحقیق از نظر هدف کاربردی و توسعه‌ای و از نظر ماهیت توصیفی و تحلیلی و از منظر روش آمیخته می‌باشد. برای پاسخ به سؤال داده‌های کیفی مرتبط از طریق فیش‌برداری و مصاحبه با نخبگان و داده‌های کمی از طریق پرسشنامه گردآوری و با استفاده از روش آمیخته انجام و با روش تأیید عاملی و رتبه‌بندی فریدمن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

انجام تحقیق علاوه بر اینکه انگیزه مسئولان در اجرای قانون و رفع موانع را افزایش می‌دهد، بستری فراهم می‌کند تا دسترسی مردم به اطلاعات عمومی فراهم و از آن استفاده مطلوب و بهینه به عمل آید. رویکرد شفاف و روحیه پاسخگویی بین مدیران و مأموران دستگاه‌ها تقویت و بستر توسعه علمی و سیاسی و اقتصادی نیز بهتر فراهم گردد.

مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی ایران: مدیریت اطلاعات عمومی در جمهوری اسلامی ایران سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، پیاده‌سازی، نظارت، بر تولید، توزیع و فراهم کردن دسترسی شهروندان به مجموعه داده‌ها و اطلاعات دولتی است که به منافع عموم شهروندان برمی‌گردد و در آن جوانب شرعی، قانونی و حقوق شهروندی و مصالح عموم رعایت می‌گردد.

ضرورت تحقق: لزوم شناسایی مدل مناسب برای مدیریت اطلاعات عمومی برای تنظیم دسترسی عادلانه شهروندان به اطلاعات عمومی و انتشار آن برابر ضوابط.

امکان تحقق: میزان قابلیت پیاده‌سازی و اجرایی نمودن مدیریت اطلاعات عمومی در کشور با

توجه به امکانات و تجهیزات زیرساختی و فن آوری و دانش مدیریت آن.

مبانی نظری:

مدیریت اطلاعات عمومی امروزه با عناوین مختلف چون آزادی اطلاعات، انتشار اطلاعات و دسترسی به اطلاعات در جوامع مطرح و با گسترش مردم سالاری رواج یافته و منظور از آن تأیید حق دسترسی به اطلاعات عمومی است. به تعبیر دیگر مراد از حق دسترسی به اطلاعات آن است که هر یک از اعضای جامعه در هر زمان بتواند تقاضای دسترسی به اطلاعاتی را داشته باشد که در یکی از مؤسسات عمومی و گاه خصوصی نگهداری می شود و آن مؤسسه تنها بر مبنای دلایل احصاء شده بتواند درخواست وی را رد کند (Dyrberg, 1999: 157).

حق دسترسی به اطلاعات بر مبنای مدیریت اطلاعات جنبه فردی دارد. مطبوعات در برخورداری از این حق مانند یکی از اشخاص خصوصی، حق دسترسی به اطلاعات را دارند. با وجود این مطبوعات علی الاصول به قصد انتشار اطلاعات برای دسترسی به آن تلاش می کنند در حالی که در چارچوب مدیریت اطلاعات ممکن است دسترسی به اطلاعاتی مجاز شناخته شود که انتشار آن ممنوع است (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۴۵).

درواقع ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی از جهات مختلف توسط صاحب نظران مورد بررسی قرار می گیرد، باین حال سه وجه آن بیشتر مورد توجه قرار دارد، فقهی، قانونی و کارکردی. در رویکرد دینی مبنای ضرورت دینی، برگرفته از آیات قرآن و روایات متواتر ائمه معصومین (ع) و در رویکرد قانونی مبنای قانونی آن برگرفته از قوانین مصوب مجلس و در وجه کارکردی، کارکرد و پیامدهای مدیریت اطلاعات عمومی برای جامعه و امنیت ملی مورد توجه و عنایت پژوهشگران قرار دارد.

مبنای دینی مدیریت اطلاعات عمومی: سوابق ناظر بر تدوین لایحه آزادی اطلاعات که منجر به تصویب قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در سال ۱۳۸۹ گردیده، نشان می دهد که توجه اصلی طراحان، ابتدا به اسناد خارجی ذی ربط و در مرحله بعد کارکرد بومی آن معطوف بوده و نسبت به مبنا شناسی و ضرورت دینی و فقهی این نهاد حقوقی، بررسی و عنایت لازم و کافی صورت ندادند. نتیجه، این شد که مجریان، قانون مزبور را به دیده ی یک محصول آورده بیگانه، نگریسته و چندان خود را ملتزم به اجرا و تحقق آن ندانستند؛ گذشت چند سال از تصویب قانون مزبور و سپس تهیه آئین نامه اجرایی آن که با تأخیر هم صورت گرفت و عدم اجرا و تعمیم قانون،

۱۳۸ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*
مؤیدی بر این ادعا است (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۱:۳۹).

به طور کلی در مبحث دینی و فقه سیاسی شیعه، بحث مستقل و جامعی در خصوص مدیریت اطلاعات عمومی و ضرورت موضوع دسترسی آزاد به اطلاعات به معنای مورد نظر، صورت نگرفته است که شاید ناشی از شرایط سخت سیاسی و اجتماعی و نبود بستر مناسب زمانی و مکانی بوده است. با این حال در فقه شیعه مستنداتی وجود دارد که به طور مستقیم و یا غیرمستقیم به مدیریت اطلاعات عمومی پرداخته و ضرورت دسترسی مردم به برخی اطلاعات را تأیید می‌کند.

اطلاع‌رسانی حق مردم: امام علی (ع) دانستن و آگاهی را در زمره حق مردم بر شمرده و خود را موظف می‌داند اطلاعات عمومی را در اختیار آنان قرار دهد. یکی از مستندات فقهی که برای شناسایی حق مردم در دسترسی به اطلاعات عمومی، مورد استفاده قرار می‌گیرد، نامه شماره ۵۱ نهج البلاغه هست که به موجب آن حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به بخشی از مردم می‌نویسد: «آگاه باشید که شما این حق را بر عهده من دارید که هیچ رازی را جز در خصوص جنگ از شما پنهان ننمایم و کاری را جز احکام شرع، بدون مشورت با شما انجام ندهم» (نهج البلاغه، نامه شماره ۵۱).

این روایت با اندکی تفاوت در منابع دیگر از جمله نامه پنجاهم و «أمالی» نیز نقل شده است، شیخ طوسی (ره) روایتی را به نقل از شیخ مفید (ره) نقل نموده است که به مضمون فوق نزدیک می‌باشد: «ألا و ان لکم عندی ان لا أحتجبن دونکم سراً ألاً فی حربٍ و لا أطوی دونکم أمراً إلاً فی حکم» همانا حق شما بر من این است که رازی را از شما پنهان ندارم مگر در مورد جنگ و بدون شما امری انجام ندهم مگر در مورد حکم شرعی (شیخ طوسی، ۲۱۷:۱۴۱۴).

مطالعه سیره و روش عملی ائمه معصومین (ع) نیز گواه بر آن است که ایشان حق مردم به اطلاعات را به رسمیت شناخته و مورد احترام قرار داده‌اند. این امر به شیوه‌های مختلف، محقق شده است. اولاً: معصومان در ارتباط با بسیاری از امور حکومتی به گونه‌ای شفاف عمل می‌نمودند که عموم جامعه به راحتی بتوانند از فرآیند اجرایی آن آگاهی پیدا نمایند و بتوانند در مورد آن قضاوت

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج. ا. ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۳۹

کنند. به طور مثال در ارتباط با مقوله دادرسی، نقل شده که امیرالمؤمنین (ع) در مسجد کوفه و در انظار مردم به قضاوت میان مردم می پرداختند (ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۹۲).

همچنین در روایتی آمده که آن حضرت وقتی از قضاوت قاضی «شریح» در خانه خویش اطلاع یافتند، وی را از این کار، نهی نموده و فرمودند، برای قاضی عیب است که در خانه به قضاوت بپردازد و امر نمودند، شریح در مسجد بنشیند و قضاوت نماید و آن را به عدالت نزدیک تر معرفی نمودند^۱ (الفاضل هندی، ۱۳۹۱: ۳۳۱).

در باب مسئله بیت المال نیز نقل شده است که ایشان در حضور مردم خراج و منافع بیت المال را تقسیم می کردند. نمونه بارز آن خراج اصفهان است که وقتی به دست آن حضرت رسید، ایشان نیز مردم را فراخوانده و فرمودند که فردا بیایند و سهم خویش را از بیت المال بگیرند، علاوه بر اینکه حضرت مباحث عمومی را در حضور مردم رسیدگی می کردند، در مواردی هم که مردم در مورد مسائل عمومی از جمله، حکومت و جامعه از ایشان (ع) درخواست آگاهی و اطلاعات می کردند، ایشان با رعایت مصالح عالی و منافع عمومی به اطلاع رسانی می پرداختند و در این امر کوتاهی نمی کردند (ابن هلال ثقفی، ۱۳۷۰: ۵۲). این عمل نشان از شفافیت و عدم پنهان کاری حضرت و همچنین سلامت حکومت ایشان بود.

نکته دیگری که در سیره حضرت علی مشاهده می شود و به عنوان الگوی حاکم اسلامی باید مورد توجه مدیران نظام اسلامی قرار بگیرد، عمل آن حضرت در ترغیب مردم به سؤال از خویش می باشد. روایات متعددی در این خصوص از آن حضرت نقل شده است. نمونه آن موردی است که حضرت، پس از بیعت مردم با ایشان بر منبر مسجد رفته و فرمودند: «ای مردم قبل از آن که مرا از دست بدهید از من سؤال کنید» (مجلسی، ۲۰۱۶: ۱۱۷).

از آنجاکه شاهد و قرینه ای دال بر اینکه منظور از سؤال فقط امور عبادی باشد وجود ندارد، لذا به هرگونه سؤال از جمله عملکرد کارمندان حکومت می توان تعمیم داد و بر اساس آن حکم کرد که

^۱ - یا شریح! اجلس فی المسجد فانه اعدل بین الناس فأنه وهن بالقاضی ان یجلس فی بینه.

۱۴۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*
هر حاکم اسلامی باید نسبت به سؤال یا سؤال‌های مردم پاسخگو باشد.

وجوب مشاوره با مردم: نصوص متعددی در اسلام وجود دارد که بر وجوب مشورت زمامداران و کارگزاران حکومت اسلامی با مردم تأکید دارد. به‌طور مثال، خداوند متعال در سوره مبارکه آل‌عمران به پیامبر اسلام (ص) دستور داده تا با مردم مشورت کرده و سپس تصمیم‌گیری نماید آنجا که می‌فرماید: *وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ* (قرآن، آل‌عمران / ۱۵۹).

روایات متواتری نیز از ائمه معصومین (ع) نقل شده که نشان از اهمیت مشورت در نزد آن‌ها دارد. یکی از این روایات، روایتی منسوب به امیرالمؤمنین (ع) است که ناظر بر وجوب مشورت کردن با مردم می‌باشد: «شاوروا فالنَّجَحُ فِي الْمَشَاوِرَةِ» با یکدیگر مشاوره نمایید که موفقیت در مشاوره است (غررالحکم و دررالکلم: ۳۱۳).

همچنین در مورد پیامبر اعظم (ص) به‌صورت مکرر گزارش شده که ایشان با اصحاب مشورت می‌نمودند و بعضاً با نظر آن‌ها عمل می‌نمودند. نمونه آن روایتی است که از امام رضا (ع) در این زمینه نقل شده که فرموده‌اند: «انَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَسْتَشِيرُ اصْحَابَهُ ثُمَّ يَعْزِمُ عَلَيَّ مَا يَرِدُ» پیامبر اکرم با اصحاب خود مشورت می‌کرد سپس به هر چه می‌خواست عمل می‌کرد (برقی، ۱۳۷۰: ۶۰۱).

لذا با توجه به وجوب مشورت و محاسن آن که از روایات و سیره ائمه معصومین به دست آمد، پرواضح است که تحقق آن مستلزم آگاهی طرف مشورت می‌باشد. به تعبیر دیگر طرف مشاوره باید در موضوع عالم، مطلع و صاحب‌نظر باشد تا نظر درست و دقیق و مؤثر ارائه دهد، از این رو تا زمانی که مردم به اطلاعات، دسترسی نداشته باشند، نمی‌توان بر آنان این فریضه را تحمیل نمود و از آن‌ها انتظار نظر درست و دقیق و کارشناسانه داشت، پس نتیجه آن می‌شود که از حیث تعلق حکم و وجوب بر مقدمه‌ی واجب رعایت حق بر اطلاعات بر حکومت، واجب خواهد بود و والی اسلامی باید شرایطی فراهم نماید که مردم به اطلاعات عمومی دسترسی داشته باشند و تفکیک اطلاعات عمومی از اسرار مستلزم مدیریت اطلاعات می‌باشد.

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج.ا.ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۴۱

شفاف‌سازی عملکرد: سیره معصومین (ع) نشان می‌دهد آن‌ها نسبت به عملکرد خود شفاف بوده و از موضع تهمت خود را دورنگه می‌داشته‌اند. در موردی از پیامبر اکرم (ص) روایت شده کالایی به دست حضرت رسید، ایشان آن را میان اهل «صُفَه» تقسیم نمودند، ولی چون میزان کالا کافی نبود و به همه‌ی ایشان نمی‌رسید، حضرت از بیم آن‌که مبدا شبهه‌ای در دل سایرین که کالا به آن‌ها نرسیده بود، رخنه نماید، نزد آنان رفته و ضمن عذرخواهی، صراحتاً فرموده‌اند که قصد تقسیم آن را میان ایشان داشته، ولی از آنجاکه مقدار آن برای همه کافی نبوده، لذا آن را به کسانی داده‌اند که ترس از بی‌تابی و ناشکیبایی آن‌ها وجود داشته است (شیخ حر عاملی، جلد ۹: ۲۶۶).

قاعده لا ضرر: به موجب قاعده‌ی لا ضرر، هرگونه کتمان اطلاعات از مردم، در صورتی که منفعت بالاتری را در بر نداشته باشد، مصداق اضرار به ایشان تلقی می‌شود که به حکم قاعده مزبور، ممنوع شده است، لذا حکومت باید حق شهروندان را بر تحصیل و دریافت اطلاعات به رسمیت بشناسد. بی‌شک با توجه به اینکه اطلاعات می‌تواند دانش مردم را افزایش دهد، به اشتغال و شرایط بهتر بینجامد و به رشد و توسعه کشور کمک کند، لذا محدودیت دسترسی می‌تواند به ضرر آن‌ها منجر شود که از نظر اسلام مردود است (ساریخانی و اکرمی سراب، ۱۳۹۱: ۴۶).

سیره عقلاء: یکی دیگر از دلایلی که بر شناسایی حق مردم برای دانستن و دسترسی به اطلاعات عمومی، مورد استناد قرار می‌گیرد، بنای عقلاء است؛ زیرا در جوامع مختلف، حق دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود نزد مؤسسات دولتی به رسمیت شناخته شده و قانونی شده است؛ از طرف دیگر در زمان حکومت معصومین (ع) هم نمونه‌های متعددی وارد شده که از دسترسی مردم به اطلاعات نزد ایشان حکایت دارد و امروز نیز در اسناد بین‌المللی متعدد از جمله اعلامیه حقوق بشر بر رعایت این حق تأکید شده است، استفاده می‌شود که این حق، نزد خردمندان در سراسر دنیا پذیرفته شده است. لذا چون از سوی شارع مقدس که در رأس عقلاء است، منع و ردعی، بر این مسئله وارد نشده، پس می‌توان به شناسایی این حق برای مردم و تشکیل نهاد حقوقی مربوطه حکم نمود (ساریخانی و اکرمی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۷).

۱۴۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*
تعلق مالکیت اطلاعات به مردم: از دیدگاه فقهی و حقوقی اطلاعات متعلق به مردم است، به تعبیر دیگر مردم مالک اطلاعات عمومی می‌باشند. دو نکته اساسی مؤید این امر می‌باشد، یکی لزوم اشتغال‌زایی و کمک به حل مشکل شغلی مردم و دیگری تأکید اسلام بر عدالت و رفع تبعیض.

نکته نخست نشان می‌دهد کارهایی وجود دارد که به‌رغم تعلق مالکیت و جنبه‌های حقوقی آن‌ها به نهاد یا شخص عامل، حق جامعه به شمار می‌رود؛ زیرا اقوام جامعه و جریان عادی زندگی بشر متوقف بر آن است. در اصطلاح فقهی از این امور با عنوان «صناعات واجبه» تعبیر می‌کنند. اموری مثل مشاغل و حرفه‌های عادی که موردنیاز اجتماع‌اند، مصادیق این عنوان شمرده می‌شوند (فخار طوسی، همان: ۷۰).

بی‌گمان ازجمله‌ی اساسی‌ترین کارهایی که در استمرار جریان عادی زندگی اجتماعی و قوام و برقراری ارکان مختلف آن نقش دارد، مشاغل مرتبط با اطلاعات است که تحقیق و پژوهش از آن جمله است و تحقیق و پژوهش نیز بدون دسترسی آزاد به اطلاعات و گردش اخبار ناممکن است. بنابراین آزادی اطلاعات در حوزه‌های مرتبط با مصالح جامعه و زندگی مردم به‌عنوان یکی از صنایع واجبه و حق شهروندی به شمار می‌آید و مسئله مدیریت اطلاعات عمومی و مؤلفه اصلی آن حق دسترسی آزاد به اطلاعات و اسناد دولتی باید به‌گونه‌ای باشد که جامعه از آن بهره‌مند شود. از سوی دیگر دربند نهم اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی در شمار وظایف دولت اسلامی شمرده شده است، لذا نهادهای حکومتی و مؤسسه‌های عمومی موظف هستند که امکان دسترسی آزاد به اطلاعات را برای همه‌ی آحاد و شهروندان فراهم کند و این تعهدی است که نهاد حاکمیت و بخش‌های مرتبط، بدان ملزم گردیده‌اند (فخار طوسی، همان: ۷۲).

مبنای قانونی مدیریت اطلاعات عمومی: بسیاری بر این اعتقادند که دسترسی به اطلاعات یک حق بنیادین بشری محسوب می‌شود، ازاین‌رو نیاز به تدبیر و اعمال مدیریت بر اطلاعات

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج. ا. و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۴۳

به گونه‌ای که حق مردم و دولت حفظ شود، می‌باشد. به باور آنان، منشأ این حق را می‌توان در ابزارهای بین‌المللی تضمین‌کننده حقوق بشر یافت. مهم‌ترین این ابزارها اعلامیه جهانی حقوق بشر است که در سال ۱۹۴۸ میلادی به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. بر اساس ماده ۱۹ این اعلامیه هر کس حق آزادی عقیده و بیان را دارد؛ این حق شامل آن است که شخص از داشتن عقاید خود بیم و اضطرابی نداشته باشد و در کسب اطلاعات و اندیشه‌ها و در اخذ و انتشار آن به تمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد (اعلامیه حقوق بشر، ۱۹۴۸: ماده ۱۹).

مفاد ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که در سال ۱۹۶۶ به تصویب رسید، نیز بار دیگر تصریح و به شکل زیر مورد تأکید قرار گرفته است:

۱- هیچ‌کس را نمی‌توان به خاطر عقایدش مورد مزاحمت و فشار قرارداد.

۲- هر کس حق آزادی بیان دارد و این حق شامل آزادی جست‌وجو و کسب و اشاعه اطلاعات و اندیشه‌ها از هر نوع بدون توجه به مرز، شفاهی، مکتوب، چاپی یا به صورت هنری و یا به هر وسیله دیگر به انتخاب خود فرد می‌باشد.

۳- اعمال حقوق مذکور در بند ۲ این ماده مستلزم حقوق و مسؤولیت‌های خاص است و لذا ممکن است تابع محدودیت‌های معینی شود که در قانون تصریح شده و برای امور زیر ضرورت داشته باشد:

الف- احترام به حقوق یا حیثیت دیگران

ب- حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی

از منظر دسترسی آزادانه به اطلاعات عمومی یا اطلاعاتی که در اختیار مؤسسه‌های عمومی است، کلیدواژه‌های مورد توجه در ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی حق آزادی «جست‌وجو»، «دریافت»، و «انتشار» اطلاعات و اندیشه‌هاست. در واقع کلمه‌های «جست‌وجو»، «دریافت» و «انتشار» در اعلامیه جهانی حقوق بشر همچون اجزای تشکیل‌دهنده حقی تقسیم‌ناپذیر به شمار رفته‌اند که همان حق دسترسی به اطلاعات عمومی است. از سوی دیگر دسترسی آزادانه به اطلاعات به‌عنوان یکی از عناصر تحقق آزادی بیان تلقی

۱۴۴ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*
می‌شوند و از آن تفکیک‌ناپذیرند. به‌ویژه که پیش‌فرض آزادی بیان، متضمن وجود چیزی برای بیان کردن است. در حقیقت مادام که چیزی برای بیان کردن وجود نداشته باشد، آزادی بیان بی‌معناست (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

البته همچنان که در بند «الف» و «ب» ماده ۱۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تأکید شده است، تحقق اصل آزادی اطلاعات و مؤلفه‌های آن، از جمله حق دسترسی به اطلاعات، مخالف احترام و حیثیت دیگران و یا حفظ امنیت ملی نیست و با مدیریت و تدبیر مدیریتی می‌توان اسرار نظام، امنیت ملی، انتظام عمومی و حریم خصوصی را نیز حفظ کرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران حق دسترسی به اطلاعات تصریح نشده است اما با تفسیر گسترده اصل هشتم که دعوت به خیر، امر به معروف و نهی از منکر وظیفه ای همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت معرفی کرده، آزادی بیان و دسترسی به اطلاعات برداشت می‌شود (طاهری و سادات، ۱۳۹۰: ۲۴۱).

سند قانونی دیگری که در آن به‌نوعی به حق مطبوعات در دسترسی به اطلاعات اشاره شده است ماده ۵ قانون مطبوعات است. در این قانون توجه به کسب و انتشار اخبار در عبارت زیر بیان شده است: کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به‌منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است. البته این قانون افزایش آگاهی عمومی و مصالح عموم را به دون اشاره به سازوکار و دسترسی به اطلاعات موردتوجه قرار داده است که مدیریت اطلاعات عمومی این نقیصه را جبران می‌نماید.

مبنای کارکردی مدیریت اطلاعات عمومی: اهمیت مدیریت اطلاعات عمومی و تسهیل دسترسی به اطلاعات از منظر کارکردی خود وجوه مختلفی را بسته به نوع پیامد و بازتاب آن در جامعه در برمی‌گیرد. مدیریت اطلاعات عمومی و دسترسی آزادانه به اطلاعات از نظر تولید علم، از آن جهت اهمیت دارد که بسیاری از پژوهش‌های علمی و فنی و ادبی و هنری در برخی جوامع همانند جامعه ما در دستگاه‌ها و مؤسسات عمومی انجام می‌شود. داده‌های ارزشمند و متنوع غالباً با استفاده از کمک‌های مستقیم یا غیرمستقیم دولت و در قالب قراردادهای پژوهشی با دولت تولید می‌شوند. در کشور ما نیز دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات و آزمایشگاه‌های وابسته به دانشگاه‌ها یا

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج. ا. و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۴۵

برخی وزارتخانه‌ها مانند صنایع و معادن، مسکن و شهرسازی، جهاد کشاورزی، بهداشت و درمان و آموزش پزشکی از جمله مهم‌ترین مؤسسات عمومی کشور هستند که حجم انبوهی از داده‌ها، تحلیل‌ها و گزارش‌های پژوهشی در آن‌ها موجود است و دسترسی به آن به گسترش علم، صنعت، فناوری و تسهیل خدمات و ارتباطات می‌انجامد (نمک دوست تهرانی، ۱۳۸۳: ۶۱).

بنابراین از رهگذر قوانین مرتبط با دسترسی آزادانه به اطلاعات و حق دسترسی، بر میزان ارتباطات مردم و حکومت افزوده می‌شود و انتقال پیام راحت‌تر صورت می‌گیرد. بدین ترتیب حکومت‌ها درمی‌یابند که کدام‌یک از فعالیتشان بیشتر مورد توجه جامعه است و از این طریق می‌توانند در جهت‌گیری‌های خود، نگرش و خواست شهروندان را نیز در نظر بگیرند. این تعامل مبتنی بر آزادی، در بلندمدت، می‌تواند به تحولی فرهنگی در ساختار اداری بیانجامد.

کنترل فساد: یکی از مبانی کارکردی مدیریت اطلاعات عمومی در کشور کنترل فساد است. اصولاً مهم‌ترین کارکرد دسترسی مردم به اطلاعات عمومی مقابله با فساد است که کم‌وبیش در هر کشوری که مردم به اطلاعات عمومی دسترسی دارند، وجود دارد. منظور از فساد، استفاده از قدرت عمومی برای کسب منافع شخصی در سطح خرد و کلان است. آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی مورد نظارت مردمی قرار می‌گیرد تا قدرت عمومی در خدمت تحقق منافع شخصی و خصوصی قرار نگیرد. این امر از شاخص‌های حکمرانی خوب محسوب می‌شود. بر اساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان از حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر رتبه بالاتری از حکمرانی خوب است. ایده حکمرانی خوب تأکید دارد که باید دولت به‌صورت مؤثری با مفاسد اقتصادی به‌ویژه در فرآیند توسعه مقابله کند (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۳۱).

فساد به فعالیت‌هایی مانند ارتشاء، پرداخت‌ها یا کمک‌های غیرقانونی، اختلاس، حیف‌ومیل و جوه دولتی و تقلب است. تقلب شامل ارائه کار با کیفیتی پایین‌تر از آن چیزی است که در قرارداد با طرف دولتی ذکر شده است. بنا بر گزارش سازمان ملل، ریشه‌های ساختاری فساد را می‌توان در چهار گروه به هم مرتبط طبقه‌بندی کرد:

۱- وجود موقعیت‌های انحصاری و یا الیگارش‌ی که در آن یک دولت قدرتمند برای مدت

۱۴۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*
طولانی قدرت و تصمیم‌گیری‌ها را در انحصار خود داشته باشد.

۲- تمرکز بیش از حد قدرت در دست افراد یا نهادها می‌تواند وسوسه‌ها و انگیزه‌هایی را برای فساد به وجود می‌آورد.

۳- هرگاه مکانیزم نظارت ضعیف باشد، فرصت‌های زیادی در اختیار افراد برای سوءاستفاده از موقعیت شغلی قرار می‌گیرد.

۴- نبود شفافیت منجر به کاهش توانایی برای نظارت بر فعالیت‌های افراد صاحب منصب و تصمیم‌گیرنده می‌شود (نقیبی مفرد، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۳۱).

عدم توازن‌ها به هر شکل اعم از حقوقی، اداری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند به ترویج فساد در جامعه بینجامد درحالی‌که با دسترسی عادلانه مردم به اطلاعات عمومی و نظارت آن‌ها بر عملکرد مأموران دولت امکان فساد در وجوه مختلف اشاره شده کاهش می‌یابد و به اعمال حاکمیت قانون کمک می‌کند.

حاکمیت قانون: حاکمیت قانون که یکی از مهم‌ترین مفاهیم مطرح شده در حوزه حقوق عمومی به‌ویژه حقوق اساسی شناخته شده و ارزشی جهان‌شمول دارد و حتی یکی از محک‌های ارزیابی نظام‌های حقوقی و سیاسی محسوب می‌شود، ازجمله مبانی کارکردی دسترسی به اطلاعات عمومی است. این امر باعث شده، هر نظام سیاسی و حقوقی در زمینه اوصاف حاکمیت قانون در مقام پاسخ‌گویی و ارزیابی قرار گیرد. بی‌شک اصل حاکمیت قانون، سنگ زیرین روابط بین دولت و ملت به شمار می‌آید. به‌گونه‌ای که این اصل، الهام‌بخش مفاهیم و اصول دیگری از قبیل شفافیت، صلاحیت، مسئولیت، پاسخ‌گویی، کنترل قضایی و تفکیک قوا و دیگر اصول و مفاهیم مرتبط است که به‌نوبه خود، بنیان حقوق اساسی و حقوق اداری و به تعبیری کلیه گرایش‌های حقوق عمومی را شکل می‌دهند.

مطابق حاکمیت قانون، استفاده خودسرانه و مستبدانه از قدرت در تصمیم‌گیری‌های حکومتی مردود است بلکه تصمیم و عمل برابر قانون مهم است که با نظارت و مشارکت مردم میسر است. بر این اساس حاکمان و سیاستمداران به‌عنوان حافظان و خادمان قانون و امانت‌دار مردم محسوب می‌شوند و خودشان نیز مشمول قانون پاسخگو به مردم‌اند. بنابراین تصمیم‌گیری و عمل حکومت

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج. ا. ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۴۷

به شیوه‌ای عقلانی بر مبنای دلایل قانونی را می‌توان جوهره مفهوم حاکمیت قانون دانست که با مدیریت اطلاعات عمومی و مشارکت و نظارت مردم بهبود می‌یابد. در واقع مطابق نظریه حاکمیت قانون، همه قوای کشور موظف‌اند که از قوانین عمومی، صریح و باثبات پیروی کنند (مرکز مالگیری، ۱۳۸۵: ۷-۱۳).

حاکمیت قانون همان حاکمیت خوب است که مزایای آن عمل به قانون، عدالت محوری و جلب مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌ها است. هم‌اکنون پس از فراز و نشیب‌های پیاپی در سیر تحول اندیشه توسعه، نظریه حکمرانی خوب یعنی نحوه اداره کشور توسط مردم و تصمیم‌گیری بر اساس مشارکت شهروندان و چگونگی تعامل بین دولت و مردم بر اساس مقررات و در نهایت نظریه حکمرانی خوب به‌عنوان بنیان توسعه، پدیدار گشته است. این نظریه به دنبال یافتن ویژگی‌ها و پیش‌نیازهای توسعه است و بیش از هر عامل دیگری بر تحول نهادها و ساختارهای درونی و قوانین رسمی و غیررسمی جوامع برای دست یافتن به آن تأکیدی ورزد.

نخستین گزاره در نظریه حکمرانی خوب این است که تنها مردم یک کشور می‌توانند برای رشد و توسعه نسخه بنویسند و هیچ تجویزی بدون در نظر گرفتن شرایط بومی، تاریخی و اجتماعی جامعه مفید نخواهد بود و این مردم هستند که به‌خوبی به این شرایط آشنا هستند. حکمرانی خوب مفهومی است که دارای ویژگی‌های عدالت، مشارکت فعال مردمی، شفافیت در عملکرد، پاسخگویی، قانون محوری، آینده‌نگری و آزادی‌های مدنی است (فصلنامه علوم مدیریت ایران، ۱۳۸۸).

مشارکت در موضوعات عمومی و دینی: با عنایت به اینکه در مردم‌سالاری حکومت امانت مردم محسوب می‌شود و حکومت‌ها مکلف به توجه به منافع مردم هستند مردم برای ایفای حق و تکلیف خود به مشارکت در تصمیمات عمومی حکومت و نظارت بر آن بر عملکرد دولت می‌پردازند. این حق با اجرای مدیریت اطلاعات عمومی بهره‌برداری و در نتیجه اظهارنظر مردم در خصوص موضوعات عمومی تقویت می‌شود. این حق ارتباط تنگاتنگی با سایر حقوق بشر از جمله حق آزادی بیان، عقیده، مذهب، فکر و وجدان دارد. از یک طرف حقوق مقابل شرایط و بسترهای فکری لازم را برای اظهارنظر تدارک می‌بینند و از طرف دیگر اعمال حق اظهارنظر می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای اظهار حق آزادی بیان، عقیده و مذهب قرار گیرد (راسخ، ۱۳۸۱: ۱۸۴-۱۸۶).

اثربخشی و کارایی فعالیت‌های دولت: از جمله کارکردها و درعین حال پیامد مدیریت اطلاعات عمومی، اثربخشی و کارایی فعالیت‌های مأموران دولتی است زیرا مدیران مؤسسه‌های عمومی، خود را در برابر چشمان تیز مردم پنداشته و دولت نیز برای پاسخگویی به آن‌ها باید خدمات و فعالیت‌های خود را مؤثر نشان دهد. این همان حکمرانی خوب است که در فوق اشاره شد و به‌عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادها در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و تسهیل توسعه اقتصادی، اجتماعی نیز یاد می‌شود. وقتی هرکسی از همان اطلاعاتی برخوردار است که حکومت و مقامات تصمیم‌گیر از آن برخوردار است، آگاهی آن‌ها افزایش یافته و با شناخت در تصمیمات عمومی مشارکت و در نتیجه کارایی مؤسسه‌های عمومی نیز افزایش می‌یابد. از این‌رو حکومت‌ها باید شیوه‌ی رفتار با شهروندان را تغییر دهند و در پی بهبود منافع عمومی و کارآمدتر کردن عملکرد مأموران خود به نفع مردم باشد به‌گونه‌ای که رضایت آن‌ها را در برداشته باشد (کمالی، ۱۳۸۳: ۳۷).

ارتقاء آگاهی مردم: یکی از وظایف دولت افزایش آگاهی و دانش مردم است. با دسترسی مردم به اطلاعات عمومی و اطلاع‌رسانی از جانب دولت، دامنه علم و آگاهی مردم افزایش می‌یابد. هرچه آگاهی مردم بیشتر باشد نقش آن‌ها در جامعه نیز افزایش می‌یابد یکی از این نقش‌ها، نقش نظارتی است به این معنی که با نظارت آگاهانه مردم بر عملکرد مؤسسه‌های عمومی، مدیران مؤسسه‌های مزبور نیز عملکرد خود را بهتر می‌نمایند تا آرای مثبت مردم را جلب کنند. این آگاهی دو جنبه دارد، یکی افزایش علم و دانش مردم که از توزیع اطلاعات به دست می‌آید و موجب غنای طرح‌ها و نظرات آن‌ها می‌گردد و دیگری افزایش آگاهی به‌حق خود در دسترسی به اطلاعات و مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها است که موجب پیگیری بیشتر برای تحقق خود و در نتیجه نظارت بیشتر بر دولت و مدیران دولتی می‌گردد (Carmen, 2008:2).

در همین حال با تحقق مدیریت اطلاعات عمومی، ضمن اینکه اطلاعات بیشتری در اختیار و دسترس مردم قرار می‌گیرد، در همین حال نظارت مردمی نیز بر آن مؤسسه و بلکه سایر مؤسسه‌های عمومی نیز، افزایش می‌یابد. این امر در مرحله بعدی به شفاف‌سازی بیشتر عملکرد دولت و مدیران دولتی و نیز پاسخگویی آن‌ها به مردم منتهی می‌گردد (Alsaadir, 2004).

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج.ا.ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۴۹

مشارکت سیاسی: با تغییر و تحولات اجتماعی و حقوقی و افزایش نقش مردم در حکومت‌ها، دولت‌ها عموماً تلاش می‌کنند خود را مردمی و برخاسته از مردم بدانند و بر مشارکت سیاسی آن‌ها تأکید نمایند. با مدیریت اطلاعات عمومی و بسترسازی برای دسترسی به اطلاعات عمومی مشارکت مردم نیز افزایش می‌یابد. هرچه اطلاعات بیشتری در اختیار مردم قرار بگیرد، تعامل بیشتری بین آن‌ها و دولت صورت می‌گیرد زیرا دانش مردم افزایش و در نتیجه تمایل آن‌ها برای همکاری و مشارکت تقویت می‌شود. به تعبیر دیگر هرچه ارتباط بین شهروندان و مؤسسه‌های عمومی نزدیک‌تر و صمیمی‌تر باشد، تمایل بیشتری از جانب آنان برای همکاری با دولت و مؤسسه‌های عمومی حاصل می‌شود و از این‌رو ارتباط و تعامل آن‌ها افزایش می‌یابد. در واقع با ارتباط نزدیک‌بین دو طرف، انگیزه مدیران برای ارائه خدمت بیشتر افزایش می‌یابد و در نتیجه مدیریت اطلاعات نیز با کارکرد بهتر صورت می‌گیرد (Carmen, 2008 : Ibid)

در مجموع مؤلفه‌ها و پیشران‌های مزبور موجب خدمات بهتر اطلاعاتی و اطلاع‌رسانی در مؤسسه‌های عمومی شده و در نتیجه خود موجب افزایش اعتماد ملی و احساس عدالت در واگذاری اطلاعات باهدف ارتقاء مشارکت مردم می‌گردد. خاطر نشان می‌سازد متغیرهای میانجی نیز در مدیریت اطلاعات عمومی مؤثر و دارای نقش می‌باشند از جمله این متغیرها فرهنگ خدمت‌رسانی در مؤسسه‌ها، فرهنگ بهره‌برداری از اطلاعات، احساس مسئولیت و انجام وظیفه و فرهنگ پرسش و نظارت بر عملکرد مؤسسه‌های عمومی است (انتظامی، ۱۳۹۴، مصاحبه).

در زیر مدل مفهومی تحقق مدیریت اطلاعات عمومی آمده است. در این مدل مبنای برنامه‌ریزی و تحلیل ابتدا دین مبین اسلام و بعد مبنای قانونی و در مرحله بعدی عملکردی است که بر اساس آن رشد و توسعه در عرصه‌های مختلف علمی، اقتصادی و آگاهی، عدالت، شفافیت، مشارکت سیاسی و همچنین مبارزه با فساد صورت می‌گیرد.

روش‌شناسی تحقیق: در تحقیق حاضر بنا به ماهیت موضوع از روش آمیخته استفاده شده است،

در بخش نخست از داده‌های اسنادی و کیفی استفاده شده و در نتیجه از تحلیل کیفی برای تجزیه و تحلیل بهره برده شده است؛ اما در بخش دوم با توجه به اینکه از پرسشنامه به‌عنوان ابزار گردآوری اطلاعات کمی استفاده شده، برای تجزیه و تحلیل داده‌های دریافتی، با استفاده از نرم‌افزار

۱۵۰ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*
spss و lizrel از روش کمی تأییدی و اولویت‌بندی فریدمن بهره برده و نتایج در قالب نمودار و جدول ارائه شده است. روایی پرسشنامه از طریق پیش‌آزمون توسط دوازده تن از نخبگان انجام و پایایی آن از طریق فرمول آلفای کرون باخ با محاسبه خطای پنج درصد، ۹۶ به دست آمد که نسبت قابل قبول می‌باشد.

جامعه‌ی آماری این تحقیق شامل روسای مؤسسه‌های عمومی، مدیران مؤسسه‌های اطلاع‌رسانی، مدیران سازمان‌های خدمات عمومی و اساتید دانشگاه در رشته حقوق و ارتباطات، مؤسسه‌های عمومی و اصحاب رسانه که وظیفه اطلاع‌رسانی را به عهده دارند و تعداد آن‌ها با توجه به ویژگی‌های سابقه مدیریت، تحصیلات تکمیلی و شناخت در حوزه حقوق، ارتباطات و خدمات عمومی محدود می‌باشند. از این رو حجم نمونه نزدیک به تمام شمار و به‌طور هدفمند انتخاب شده‌اند که یک‌صد و پنجاه تن برآورد شده و پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفته است لیکن ۱۲۱ نسخه عودت شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها: با عایت به هدف پژوهش پرسشنامه‌ای محقق ساخته تهیه و در خصوص مؤلفه‌های تحقیق شامل ضرورت تحقق و پیاده‌سازی الگوی راهبردی مدیریت اطلاعات عمومی، سؤال‌های زیر بر اساس طیف لیکرت با پنج گزینه کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم طراحی و در اختیار نخبگان قرار گرفته است. متغیرهای موجود در پرسشنامه که ضرورت تحقق را تداعی می‌کند شامل دسترسی عادلانه، شفافیت عملکرد، مقابله با فساد اداری، آزادسازی اطلاعات فاقد محرمانگی، توسعه سیاسی و اقتصادی، توسعه و رشد علمی و افزایش مشارکت سیاسی مردم می‌باشد.

سپس پاسخ‌های به دست آمده از سوی خبرگان را تجزیه و تحلیل گردید که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد:

گویه ۱: مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد دسترسی عادلانه به اطلاعات عمومی لازم است.
نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد دسترسی

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج.ا.ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۵۱

عادلانه به اطلاعات عمومی لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۷۰.۲٪ بیشترین فراوانی و گویه کاملاً مخالفم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

گویه ۲: مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد شفافیت در عملکرد مأموران دولت لازم است. نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد شفافیت در عملکرد مأموران دولت لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۶۸.۶٪ بیشترین فراوانی و گویه‌های کاملاً مخالفم، مخالفم و نظری ندارم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

گویه ۳: مدیریت اطلاعات عمومی برای مقابله با فساد اداری لازم است. نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای مقابله با فساد اداری لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۶۶.۱٪ بیشترین فراوانی و گویه کاملاً مخالفم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

گویه ۴: مدیریت اطلاعات عمومی برای آزادسازی اطلاعات فاقد محرمانگی لازم است. نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای آزادسازی اطلاعات فاقد محرمانگی لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۵۷.۹٪ بیشترین فراوانی و گویه‌های کاملاً مخالفم و مخالفم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

گویه ۵: مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه سیاسی و اقتصادی لازم است.

نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه سیاسی و اقتصادی لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۵۲.۹٪ بیشترین فراوانی و گویه کاملاً مخالفم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

گویه ۶: مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه و رشد علمی لازم است.

۱۵۲ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*

نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه و رشد علمی لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۶۶.۱٪ بیشترین فراوانی و گویه کاملاً مخالفم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

گویه ۷: مدیریت اطلاعات عمومی برای افزایش مشارکت سیاسی مردم لازم است.

نتایج حاصله نشان می‌دهد تأثیرگذاری گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای افزایش مشارکت سیاسی مردم لازم است را از نظر شرکت‌کنندگان نشان می‌دهد که گویه کاملاً موافقم با ۵۱.۲٪ بیشترین فراوانی و گویه‌های کاملاً مخالفم و مخالفم با ۰٪ کمترین فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

یافته‌های تحقیق: یافته‌های تحقیق بر اساس اهداف پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. برای تجزیه و تحلیل ابعاد پژوهشی با توجه به ماهیت آن‌ها از آزمون **t.test** و آزمون رتبه-ای فریدمن استفاده می‌شود.

میزان تأثیرگذاری گویه‌های مرتبط با ضرورت تحقق.

در بررسی مؤلفه تحقیق فوق سؤالات آماری به صورت زیر قابل ذکر می‌باشند:

H: گویه‌های مرتبط با مؤلفه ضرورت تحقق، در شناسایی عوامل مؤثر در مدیریت اطلاعات عمومی تأثیرگذار نمی‌باشند؟

H1: گویه‌های مرتبط با مؤلفه ضرورت تحقق، در شناسایی عوامل مؤثر در مدیریت اطلاعات عمومی تأثیرگذار می‌باشند؟

و یا این سؤالات به صورت موارد:

$$H_0 : \mu = 3$$

$$H_1 : \mu \neq 3 \quad \text{or} \quad H_1 : \mu > 3 \ \& \ \mu < 3$$

عدد ۳ گزینه متوسط را نشان می‌دهد که بیشتر یا کمتر از آن مبین حد کمتر و بیشتر بعد ذکر شده می‌باشد.

نتایج آزمون **t**: در بررسی بعد پژوهش فوق سؤالات آماری به صورت زیر مشخص

گردید:

تعداد N	میانگین mean	انحراف معیار Std.Dv	آماره آزمون t	درجه آزادی Df	سطح معنی دار Asym p.sig	سؤال تحقیق
۱۲۱	۴.۱	۰.۲۹۶	۲۸.۷۴۱	۱۲۰	۰.۰۰۰	

در تحلیل بررسی بعد فوق از آنجاکه آماره آزمون t استودنت بیش از میزان میانگین ($\mu = 3$) می‌باشد، لذا H_0 رد و آماره آزمون در ناحیه H_1 قرار می‌گیرد.

بر همین اساس با توجه به سطح معنی دار $5\% = \alpha < 0 = \text{Asymp.sig}$ معنادار بودن آماره آزمون قابل قبول می‌باشد. از طرفی با توجه به اینکه میانگین mean مکتسبه از آزمون با عدد ۴.۱ تبیین گردیده است، عدد فوق در ناحیه H_1 قرار گرفته و بزرگ‌تر از عدد متوسط ما یعنی عدد ۳ می‌باشد.

$$\mu = 3 \leq H_1$$

با این توصیف سؤال مذکور تایید گردیده و در واقع با اطمینان ۹۵٪ مشخص گردید؛

بررسی مؤلفه ضرورت تحقق (آزمون رتبه‌ای فریدمن)

تحلیل عاملی این مؤلفه که شامل هفت زیر مؤلفه، به شرح زیر می‌باشد:

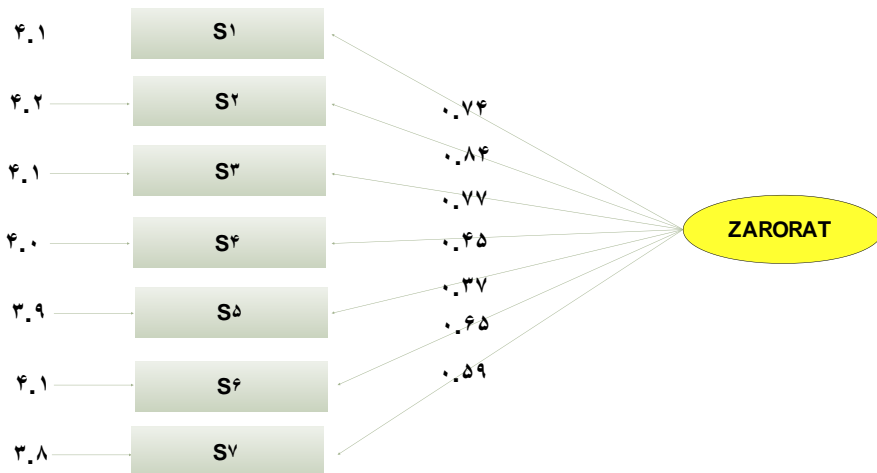
در جدول زیر در مرحله اول با استفاده تحلیل عاملی اکتشافی، داده‌ها نشان می‌دهد که این مؤلفه شامل هفت زیر مؤلفه: ۱. مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد دسترسی عادلانه به اطلاعات عمومی لازم است ۲. مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد شفافیت در عملکرد مأموران دولت لازم است ۳. مدیریت اطلاعات عمومی برای مقابله با فساد اداری لازم است ۴. مدیریت اطلاعات عمومی برای آزادسازی اطلاعات فاقد محرمانگی لازم است ۵. مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه سیاسی و اقتصادی لازم است ۶. مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه و رشد علمی لازم است ۷. مدیریت اطلاعات عمومی برای افزایش مشارکت سیاسی مردم لازم است می‌باشد.

جدول شماره ۱: تحلیل آماری مؤلفه ضرورت تحقق به تفکیک مؤلفه‌ها و گزاره‌ها با استفاده از آزمون فریدمن

بار عاملی	گزاره	بار عاملی	مؤلفه
۹۳.۲	مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد دسترسی عادلانه به اطلاعات عمومی لازم است.	۹۱.۳	ضرورت تحقق
۹۳.۷	مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد شفافیت در عملکرد مأموران دولت لازم است.		
۹۲.۵	مدیریت اطلاعات عمومی برای مقابله با فساد اداری لازم است.		
۹۰	مدیریت اطلاعات عمومی برای آزادسازی اطلاعات فاقد محرمانگی لازم است.		
۸۹.۲	مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه سیاسی و اقتصادی لازم است.		
۹۱.۷	مدیریت اطلاعات عمومی برای توسعه و رشد علمی لازم است.		
۸۹.۴	مدیریت اطلاعات عمومی برای افزایش مشارکت سیاسی مردم لازم است.		

تحلیل آماری مؤلفه ضرورت تحقق به تفکیک مؤلفه‌ها با مدل لیزرل:

♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج.ا.ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۵۵



Chi-Square=۶۹۱.۵۳ df=۸۱ p-value=۰.۰۰۰۰۰۰ RMSEA=۰.۱۳۱

Normed Fit Index (NFI) =95%

خروجی شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری بالاتر از ۹۰ نشان می‌دهد که این مدل از برازش قابل قبولی برخوردار می‌باشد؛ بنابراین گزاره مدیریت اطلاعات عمومی برای ایجاد شفافیت در عملکرد مأموران دولت لازم است، به‌عنوان مهم‌ترین گزاره در مؤلفه ضرورت تحقق مورد قبول واقع شده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات: با توجه به مباحث گذشته و تجزیه و تحلیل داده‌های تحقیق

مدیریت اطلاعات عمومی از منظر فقهی با توجه به آیات و روایات متعددی که از معصومین علیهم‌السلام رسیده و از یک سو دال بر قضاوت، مدیریت و تدبیر امور عام در حضور مردم برای شفاف‌سازی و از سوی دیگر بیانگر دعوت مردم به مشارکت در نظارت بر امور جامعه و خیرخواهی مدیران می‌باشد، تحقق و اجرای مدیریت اطلاعات عمومی ضروری است در غیر این صورت اعتماد مردم به کارگزاران کاهش و باب غیبت پشت سر مدیران افزایش می‌یابد، نخبگان هم بر ایجاد شفافیت در عملکرد مأموران دستگاه‌های عمومی بیش از سایر گزاره‌ها در مدیریت اطلاعات عمومی تأکید کرده‌اند.

۱۵۶ فصلنامه امنیت ملی، سال هفتم، شماره بیست و چهارم، تابستان ۱۳۹۶ —————*

در همین حال مدیریت اطلاعات عمومی از جهت قانونی نیز با توجه به اصول متعدد قانون اساسی و قوانین دیگر از جمله قانون مطبوعات و قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات ضروری است و به رغم فراز و فرود در اجرای مواد قانونی و احیاناً نقص، ضرورت موضوع آشکار و آنچه مورد غفلت قرار گرفته اجرای آن می باشد که به موجب داده های واصله مردم نیز بر تحقق آن اصرار دارند. همچنین تحقق مدیریت مزبور از منظر عملکردی، برای ایجاد عدالت در دسترسی به اطلاعات، شفافیت در عملکرد مدیران و مأموران مؤسسه های عمومی اعم از دولتی و خصوصی، پیشگیری و مقابله با انواع فساد اداری از نظر نخبگان ضروری است، از این رو آزادسازی اطلاعاتی که به هر دلیل محرمانگی خود را از دست داده و به رغم درخواست مردمی برای استفاده، همچنان در زمره اطلاعات محرمانه نگهداری می شود و همچنین سایر اطلاعات عمومی برای کمک به توسعه سیاسی و اقتصادی کشور. همچنین توسعه و رشد علمی کشور و افزایش مشارکت سیاسی آگاهانه و همراه با بصیرت و نظارت بر تصمیم گیری های عمومی توسط نخبگان مردمی، درخواست می شود. بدیهی است این امر به جلب اعتماد و سپس مشارکت بیشتر مردم در امور سیاسی و همچنین امور عامه شده و ساخت درونی و پایه های نظام مردم سالاری دینی را تقویت و با نمایش اتحاد مردم و دولت و بهبود اوضاع سیاسی و اقتصادی و علمی، به ثبات بیشتر نظام و به تعبیر دیگر ارتقاء امنیت ملی منتهی می گردد.

لذا بر اساس نظر نخبگان مدیریت اطلاعات عمومی بیش از هر چیز برای ایجاد شفافیت عملکردی دستگاه های عمومی و سپس مقابله با فساد اداری و در مرحله بعد ایجاد عدالت در دسترسی به اطلاعات ضروری است. از این رو دولت باید در راستای اجرای مدیریت اطلاعات عمومی و تهیه زیرساخت فنی، اختصاص کادر اطلاعاتی، آموزش مناسب و الزام دستگاه ها به اجرای قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات گام های اساسی و جدی بردارد. در این راستا پیشنهاد می گردد:

————— ♦ ضرورت مدیریت اطلاعات عمومی در ج.ا.ا و تاثیر آن در ارتقاء امنیت ملی ♦ ۱۵۷

۱- فراهم‌سازی زیرساخت‌های اجرایی در نهادی عمومی و دولتی و اختصاص بودجه و امکانات لازم،

۲- تعیین فرصت و مهلت مشخص به همه نهادهای عمومی و خصوصی که از اطلاعات عمومی برخوردار و مشمول قانون می‌باشند تا اطلاعات عمومی موجود در مؤسسه را از منظر موضوعی، محرمانگی و قابلیت دسترسی برای تسریع در شناسایی و دسترسی یا واگذاری اطلاعات، تفکیک و دسته‌بندی نمایند.

۳- تعیین مرجع و چگونگی نظارت بر تفکیک اطلاعات و ایجاد دسترسی یا واگذاری اطلاعات عمومی به شهروندان،

۴- تصویب قوانین جامع در مجلس که تمام قوانین معارض و مخالف دسترسی به اطلاعات عمومی را تحت الشعاع قرار داده و ملغی نماید؛

۵- ایجاد ساختار، سازمان و تشکیلات متمرکز در سطح ملی برای نظارت بر اجرای مدیریت اطلاعات عمومی و معرفی به نهاد قضایی در صورت تخطی از انجام وظیفه.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه صالح، صبحی، تصحیح فیض الاسلام.
- انصاری، باقر (۱۳۸۶) آزادی اطلاعات، تهران، انتشارات دادگستر.
- انصاری باقر (۱۳۸۸) نامه حقوقی شماره ۱ ج ۳.
- انصاری باقر (۱۳۸۶) آزادی اطلاعات، مبانی و لوازم، فصلنامه حقوق، تهران.
- ابن براج طرابلسی، ابوالقاسم عبدالعزیز، ۱۴۰۶ المهدب، ج ۲، تحقیق و تصحیح تحت نظر جعفر سبحانی، مؤسسه النشر الاسلامی.
- الفاضل هندی (۱۳۹۱) کشف الثام، ج ۳، مرکز المعجم الفقهی.
- ابن هلال ثقفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (۱۳۷۰) الغارات، ج ۱، تصحیح میرجلال الدین حسینی اموی، قم، دارالکتاب اسلامی.
- اعلامیه حقوق بشر، ۱۹۴۸: ماده ۱۹ سازمان ملل.
- برقی، أبو جعفر احمد بن محمد، المحاسن، ۱۳۷۰ ج ۲، تصحیح جلال الدین محدث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محکم، ۱۴۲۰ غررالحکم و دررالکلم، تصحیح سیدمهدی رجایی، مرکز النشر.
- ساریخانی عادل و اکرمی سراب و روح الله (۱۳۹۱) مبانی فقهی حق بر اطلاعات، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۶۵.
- شیخ طوسی أبو جعفر محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، الأمالی، قم، دارالتقافه.
- شیخ صدوق (۲۰۱۴) علل الشرایع، ج ۱، بیروت دارالمرتضی.
- طاهری محمد رضا و سادات آزاده، (۱۳۹۰) تحلیلی بر قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات در پرتوی اصول کلی حاکم بر دسترسی به اطلاعات، فصلنامه پژوهش حقوق، شماره ۳۵.

- عاملی [شیخ حر]، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشریعه، جلد ۹.
- فخار طوسی، جواد، بی تا، پژوهشی فقهی در خبر و خبرگزاری.
- فصلنامه علوم مدیریت ایران طراحی الگوی حکمرانی خوب بر پایه نظریه سیستم های باز، سال چهارم، شماره ۶.
- زمستان نمکدوست تهرانی حسن (۱۳۸۳) حق دسترسی آزادانه به اطلاعات و دموکراسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- منتظری حسینعلی (۱۴۰۹ ق) مبانی فقهی حکومت اسلامی، ج ۸، ترجمه محمود صلواتی و ابوالفضل شکوری، قم، نشر کیهان.
- منقری، نصر بن مزاحم (۱۳۸۲ ق)، وقعه صفین، قاهره، مؤسسه العربیه الحدیثه للطبع و النشر و التوزیع تحقیق و شرح عبدالاسلام محمد هارون، ج ۲.
- مجلسی محمدباقر (۲۰۱۶) بحار الانوار، ج ۱۰، تصحیح حسین حسینی بیرجندی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- Alsadir Robers, "National Security and Open Government", Paper Prepared for Meeting of Transparency Task Force of the Initiative for Policy Dialogue. New Delhi, January 2004
- Alexander Larry (2001) a freedom of expression as a human right university of sandiego school of law working paper 23, stochplm university
- Curtin Deirdre m Betwixt and Between (1996): democracy and transparency in the governance of the European, unian reforming the European, unian in winter, jan a.
- United Nations, Universal Declaration of Human Rights, (UN, accessed on 10 January 2008); available
- from <http://www.un.org/Overview/rights.html>, Interne
- Berge Achim. (2000) improved rules on public access to documents? Stockholm university